

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/11/21

انگیزه عمر از حذف حي علي خير العمل چه بود؟

آیا واقعا جنگ با اصحاب رده علت حذف «حي علي خير العمل» از اذان بود؟ اگر علت این بود، در زمان رسول اکرم صلي الله عليه و آله و سلم هم جنگ ها و غزوات بيشتري اتفاق افتاد و هم خطرش براي اسلام بيستر بود، چرا نبی مکرم صلي الله عليه و آله و سلم این کار را نکردند؟ اگر به خاطر جهاد ترك شدن بود، چرا بعد از تمام شدن جنگ ها، حي علي خير العمل به جاي خودش باز نگشت؟ اگر بر فرض، دستور، دستور حکومتي بوده و در زمان ضرورت صادر شده، باید بعد از رفع ضرورت این حکم برداشته مي شد، حال آن که بعد از نهي عمر، هنوز حي علي خير العمل به اذان برگشته است.

عمر سه چیز حلال را بر مردم حرام نمود :

تفتازاني تعبيري دارد در شرح تجريد:

أن عمر بن الخطاب خطب الناس و قال: أيها الناس! ثلاث كن علي عهد رسول الله و أنا أحرمهن و أعاقب عليهن: متعة النساء و متعة الحج و حي علي خير العمل.

سه چیز در زمان رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) بود و من آن سه چیز را نهي مي کنم و هر کس آنها را انجام دهد، او را معاقبه و تنبيه مي کنم: متعه زنان و متعه حج و حي علي خير العمل.

شرح تجريد قوشجي، المقصد الخامس الإمامة، ص 374 - طبري در المسترشد، ص 15.

این حدیث صراحت دارد بر این که عمر، به قول آقایان اهل سنت، از ولایت تشریحی یا حکومتی خود استفاده کرده است.

اهل سنت برای عمر حق تشریح قائلند :

آقایان اهل سنت به شیعه اعتراض می کنند که شما برای ائمه علیهم السلام ولایت تشریحی قائل هستید. اگر ما برای ائمه علیهم السلام ولایت تشریحی قائل هستیم، برای کسانی است که آیه تطهیر و آیه مباحله و آیه **أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم** در شأن آنان نازل شده و حدیث ثقلین صراحت دارد؛ ولی خلیفه دوم شما، تا سال 7 یا 8 بعثت مشغول بت پرستی بود، حتی خیلی از افراد از ترس عمر جرأت مسلمان شدن هم نداشتند. بعد از مسلمان شدن عمر تعداد زیادی از قریش اسلام آوردند، که حتی بعضی این را جزء کرامات عمر دانسته اند و می پندارند که به قدری قدم عمر مبارک بود که با مسلمان شدنش، افراد زیادی اسلام آوردند. بله! ما هم این را قبول داریم؛ ولی اینها از ترس او جرأت اسلام آوردن نداشتند و بعد از اسلام آوردن او، این ترس رفت. نه تنها این فضیلت نیست، بلکه یک نقطه ضعف بود که جلوگیری می کرد از اسلام آوردن عده ای که از صمیم قلب می خواستند مسلمان شوند.

حافظ علوی که مورد تأیید ذهبی و ابن حجر است عمر را مانع گفتن حی علی خیر العمل می داند :

غیر از این روایت، روایات متعددی در کتاب اهل سنت هست که خود خلیفه دوم مانع از گفتن حی علی خیر العمل بود. مثلاً آقای حافظ علوی که مورد تأیید ذهبی و ابن حجر و دیگران است، از صائب بن مالک نقل می کند:

عن عمر کان یؤذن بحی علی خیر العمل، ثم ترک ذلك و قال عمر أخاف أن يتکل الناس.

عمر در اذان، حي علي خير العمل مي گفت: سپس آن را ترك كرد و مي گفت مي ترسم كه مردم به نماز تكيه كنند و از امور ديگر باز بمانند.

الأذان بحی علی خیر العمل حافظ علوی، ص 99 - حی علی خیر العمل محمد سالم عزان، ص 34.

همچنین در کتاب الإحکام که از کتب زیدیه است، نقل می کند از یحیی بن الحسین:

قد صح لنا أن حی علی خیر العمل کانت علی عهد رسول الله، يؤذن بها و لم تطرح إلا فی زمن عمر بن الخطاب و إنه أمر بطرحها و قال أخاف أن یتکل الناس علیها و أمر بإثبات الصلاة خیر من النوم مکانها.

با سند صحیح برای ما ثابت است که (حی علی خیر العمل) در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در اذان بوده است؛ و از اذان حذف نشد مگر در زمان عمر بن خطاب به بهانه این که می ترسم موجب مشقت و سختی مردم شود امر به حذف آن نمود و به جای آن (الصلاة خیر من النوم) را در اذان قرار داد.

الإحکام، ج 1، ص 84.

همچنین در الأذان بحی علی خیر العمل، صفحه 79 آمده که:

آقا امام باقر علیه السلام می فرماید: پدرم امام سجاد علیه السلام در اذانش حی علی خیر العمل می گفت.

و كان عمر لما خاف أن یثبت الناس عن الجهاد و یتكلوا، أمرهم فكفوا عنها.

عمر ترسید که مردم به نماز تکیه کنند و جهاد را کنار بگذارند، دستور داد که مردم از گفتن حی علی خیر العمل دست برداشتند.

باز هم در کتاب الأذان بحی علی خیر العمل، صفحه 63 از خود زید بن علی علیه السلام نقل می کند:

مما نقم المسلمون علی عمر، أنه نهی من النداء فی الأذان حی علی خیر العمل، قد بلغت العلماء کان يؤذن بها لرسول الله حتی قبضه الله عزوجل، کان يؤذن بها لأبی بکر حتی مات و طرفا من ولاية عمر حتی نهی عنها.

از چیزهایی که مسلمانان بر عمر انتقاد می کردند، نهی او از حی علی خیر العمل در اذان بود، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم در زمان خود، حی علی خیر العمل می گفت و ابوبکر هم می گفت و عمر هم در مقداری از زمان ولایت خود، حی علی خیر العمل را می گفت، ولی بعدا آن را نهی کرد.

از ائمه علیهم السلام هم روایات متعددی نقل کرده اند و همچنین قاضی زید کلاری که از بزرگان زیدیه است می گوید:

فأما حی علی خیر العمل فکان فی الأذان فسمعها عمر یوما، أمر بالإمساک فیها عنها و قال إذا سمعها الناس ضیعوا الجهاد لموضعها و یتکلوا علیها.

عمر گفت اگر مردم احساس کنند که نماز بالاتر و برتر از جهاد است، به نماز تکیه می کنند و از جهاد باز می مانند.

الأذان بحی علی خیر العمل، ص 153، به نقل از شرح تحریر قاضی زید.

روایت دیگری از حسن بن یحیی بن حسین بن زید می گوید:

لم یزل النبی يؤذن بحی علی خیر العمل حتی قبضه الله و کان يؤذن بها فی زمن ابی بکر، فلما ولی عمر قال: دعوا حی علی خیر العمل لا یشغل الناس عن الجهاد.

رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله همواره در اذان خود (حي علي خير العمل) «

الإعتصام بحبل الله المتين، جلد 1، صفحه 296 باز هم به همین شکل مي گوید:

فقال عمر بن الخطاب إني أخاف أن يتكل الناس علي الصلاة إذا قيل (حي علي خير العمل) و يدع الجهاد، فأمر أن يطرح من الأذان حي علي خير العمل.

عمر بن خطاب گفت: من مي ترسم با گفتن (حي علي خير العمل) « در اذان مردم براي نماز به سختي بيافتند و جهاد را ترك كنند، از اين رو امر كرد تا (حي علي خير العمل) « را از اذان حذف كنند.

الإعتصام بحبل الله المتين، جلد 1، صفحه 296.

اشكال ديگري كه در اينجا مطرح است، اگر حي علي خير العمل مانع از جهاد بوده، سخت ترين جنگ براي هيئت حاكمه، جنگ با اصحاب رده در زمان ابوبكر بوده و هيچ كس حاضر نبود برود. حتي ابوبكر فرستاد دنبال عمر و با او مشورت كرد و گفت كه مردم به جهاد نمي روند، اگر علي را بتواني تهديد و وادار كني كه به جهاد بيايد، همه مي آيند؛ عمر گفت: اين كار به صلاح نيست؛ چون اگر او بيايد و پيروزي نصيب شود، به نام او تمام مي شود و مردم به سمت او مي روند و اين به صلاح ما نيست. بگذار او در مدينه بماند و از او مشورت بگير.

حال سؤال اين است كه چرا در اين شرايط سخت، حي علي خير العمل ترك نشد؟ و شايسته بود كه او اين كار را انجام مي داد.